

غدیر و مقام علی (ع) از منظر مولانا

دیدگاه عرفا به موضوعات و امور همواره نگاهی درونی و منطبق با مبانی روحی و معنوی بوده است، ایشان از اعمال ظاهری معانی باطنی را انتزاع و توجه به ظاهر را برای کسب مفهوم باطنی مناط اعتبار قرار داده‌اند.



هوشنگ شکری: دیدگاه عرفا به موضوعات و امور همواره نگاهی درونی و منطبق با مبانی روحی و معنوی بوده است، ایشان از اعمال ظاهری معانی باطنی را انتزاع و توجه به ظاهر را برای کسب مفهوم باطنی مناط اعتبار قرار داده‌اند.

واقعۀ غدیرخم ازجمله موضوعات مهم و اساسی در عالم اسلام است که از جنبه‌های گوناگون تاریخ، رجال، حدیث و... مورد بررسی قرار گرفته است اما نگاه عرفانی و معنوی این واقعه عظیم در این برهه از تاریخ جایگاه ویژه‌ای را ایفا می‌کند که باید بدان پرداخته شود. ازجمله این نگاه‌های باطنی و عمیق، آثار ژرف عارف شوریده و از خود بریده مولانا جلال‌الدین محمد بلخی است که با سبک و سیاق خاص خود در بیان معانی روحی و باطنی به ابراز مطلب از ورای دیدگاه تاریخ و قیل و قال و جدل پرداخته و اسرار نهفته در کنه این امر را تا حدودی آشکار کرده است. بیان شیوا و پرشور مولوی در آثار خویش، تبیین‌گر مقام و مرتبه روحانی مولی‌الموحدین و سرور جوانمردان عالم علی مرتضی (ع) است و این ابیات پرشور و جذبه پیوندی معنوی بین خواننده و مقام ولایت کلیه ایجاد می‌کند. وی در مثنوی شریف و در دفتر ششم به بیان واقعه غدیر می‌پردازد و ولایت علی (ع) را بعد از پیغمبر (ص) به تصویر می‌کشد:

زین سبب پیغمبر با اجتهاد نام خود و آن علی مولا نهاد

گفت هر کو را منم مولا و دوست ابن عم من علی مولای اوست

پس از آن به اصل اساسی ولی و ولایت می‌پردازد و هدف غایی ولایت و باطن این امر را مطرح می‌کند که:

کیست مولا آنکه آزادت کند بند رقیّت ز پایت بر کند

یعنی به تعبیری ولی را کسی می‌داند که اتصال به غیب و منبع فیض دارد و می‌تواند این فیوضات رحمانی را بر بندگان عرضه داشته در راه سیر به سوی قرب خداوندی یاریگرشان باشد تا از بند نفس برهند و به حق بییوندند. همچنین مولوی پس از بیان این موضوع مزده و بشارت می‌دهد بر این ولایت کلیه و اثرات آن بر مومنان.

ای گروه مومنان شادی کنید همچو سرو و سوسن آزادی کنید

اما روح پر تلاطم مولوی به ذکر همین اندازه از مناقب مولا علی (ع) که صاحب دم و ولی برحق و کلیه است بسنده نمی‌کند و در جای‌جای مثنوی شریف خویش به عظمت روحی و مقام و جایگاه صاحب ولایت علی مرتضی (ع) اشاره و از آن بنده بی‌همتا استمداد می‌طلبد. وی در دفتر اول داستان علی (ع) در جنگ خندق را بازگشایی و عمل حضرت در قبال عمرو بن عبدود را با زبانی گویا از اسرار معنوی مطرح می‌کند با این مطلع زیبا

از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزّه از دغل

این داستان مثنوی به قدری جاذب و شورآفرین است که گویی مولوی نه به اراده خود بلکه از رشحات توجه مولا علی (ع) زبان در کام می‌گرداند و مراتب روحانیت حضرت را به تصویر می‌کشد.

ای علی که جمله عقل و دیده‌ای شمه‌ای وا گو از آنچه دیده‌ای

در این ابیات به غایت معنوی و نغز، مولانا و تمام عاشقان کوی علی (ع) همصدا و همنوا با مولوی تمسک به ساحت پاک امیرالمومنین (ع) بسته و استعانت می‌جویند که ذره‌ای از حقایق ازلی را بر ایشان آشکار سازد و از آن وادی‌ها که پیموده نام و نشانی و از آن عطربو، رایحه‌ای و از آن طره و گیسو، نشانه‌ای بر ایشان به ارمغان آورد و لب به سخن گشاید از اسرار الهی.

تیغ حلمت جان ما را چاک کرد آب علمت خاک ما را پاک کرد

بازگو دانم که این اسرار هوست زآنکه بی‌شمشیر کشتن کار اوست

و باز به تمنا از مولای خویش می‌خواهد و همه عارفان و عاشقان می‌خواهند تا پرده از رخساره حقیقت به کنار زده و اسرار هویدا کند.

راز بگشا ای علی مرتضی ای پس از سوءالقضا حسن‌القضاء

مولوی در این احوال به غایت نورانی و روحانی خطاب به حضرت صاحب ولایت بیان می‌دارد که یا شما پرده از اسرار خویش برگیرید و یا من لب به سخن گشوده و می‌گویم که عشق شما بر حال من و تمام پیروان روحانی چه کرده و چه بر سر دل‌هایمان آورده است تا مگر ترحمی از جانب شما بر دل عاشقان شود.